

بحران آب یکی از مسائلی است که در سال‌های اخیر اهمیت آن افزایش پیدا کرده و اقتصاددان‌ها و متخصصان آن را یکی از خطرناک‌ترین چالش‌های کشور ارزیابی می‌کنند. آن‌ها معتقدند برای بهبود وضعیت، شیوه‌های آبیاری در ایران باید تغییر کند و برنامه ریزی‌های لازم برای مدیریت مصرف آب در بخش کشاورزی به وجود بیاید. این در حالی است که در کشور ما، کشاورزی همچنان به روش سنتی انجام می‌شود و کشت‌های محصولات کشاورزی پرمصرف نیز بدون در نظر گرفتن شرایط بارندگی و میزان مصرف آب در برخی مناطق انجام می‌شود. کاوه زرگران، رییس کمیسیون کشاورزی، آب و صنایع غذایی معتقد است «کشور ما به لحاظ منابع آبی، بحرانی‌ترین شرایط را در میان کشورهای دیگر دارد. بنابراین جلوگیری از وخیم تر شدن این شرایط، باید در مدیریت کشت و بهره‌وری برنامه ریزی داشته باشیم و منابع آبی کشور را به بهترین شکل ممکن مصرف کنیم.» به همین دلیل اگر این راه کارهایی که ارائه تحقق پیدا نکند، کشور می‌تواند با شرایط بحرانی در بخش آب رو به رو شود.

کاوه زرگران رییس کمیسیون کشاورزی با حضور در کافه خبر، درباره امنیت غذایی ایران صحبت و راه کارهایی را برای بحران آب کشور مطرح کرد. متن این گفت و گو را بخوانید:

وضعیت صادرات و واردات محصولات کشاورزی در سال گذشته را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا شرایط کشاورزی کشور پیشرفت کرده است؟

از مجموع صادرات غیرنفتی ۴۳ میلیارد و ۹۳۰ میلیون دلاری سال گذشته کشور، ۷/۵ میلیارد دلار آن به صادرات محصولات کشاورزی و غذایی اختصاص داشته است؛ محصولات غذایی و کشاورزی سهم ۱۳ درصدی از کل صادرات غیرنفتی سال ۹۵ کشور داشته‌اند. سال گذشته مجموعاً ۶/۸ میلیارد دلار انواع محصولات غذایی و کشاورزی به کشور وارد شده است و تراز تجاری ما در این حوزه منفی بوده است.

در سال ۹۵، یک میلیون و ۴۲۰ هزار تن گندم به کشور وارد شده است که نسبت به واردات ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تنی سال ۹۴، روند کاهشی داشته است. اما با توجه به اینکه به طور قانونی ثبت سفارش گندم ممنوع بوده و ثبت سفارش‌های گذشته نیز در سه ماه اول سال باطل شده است، این میزان واردات گندم محل اشکال است؛ با وجود خودکفایی در تولید گندم همچنان واردات صورت گرفته است.

در حال حاضر با توجه به رشد بالای تولید گندم در کشور، با مازاد تولید این محصول روبرو هستیم، به طوری که لزوم اتخاذ تصمیمات و تدابیری برای این مازاد تولید بیش از هر زمانی احساس می‌شود. ناگفته نماند که در سال ۹۶ تاکنون واردات گندم نداشته‌ایم.

در مورد برنج، حکایت‌های متعددی در ارتباط با تولید و مصرف آن وجود دارد. در سال ۹۵ به طور کلی حدود ۸۴۰ هزار تن برنج به کشور وارد شده است که در مقایسه با سال گذشته، ۱۰۰ هزار تن رشد واردات داشته است.

در سال ۹۵ اما میزان واردات محصول جو کشور روند کاهشی داشته است. در این سال یک میلیون و ۳۳۰ هزار تن جو به کشور وارد شده است.

سال گذشته حدوداً ۶/۵ میلیون تن ذرت به کشور وارد شده است که نسبت به سال گذشته روند افزایشی داشته است؛ با توجه به وضعیت وخیم منابع آب کشور و قیمت

تمام شده بالای تولید چنین محصولاتی در داخل، سیاست کاهش تولید محصولات آبر کشاورزی باید در دستور کار نهادهای تصمیم گیرنده قرار گیرد.

واردات کنجاله در سال گذشته روندی کاهشی را پیموده است؛ در این سال یک میلیون و ۶۰۰ هزار تن کنجاله به کشور وارد شده، در حالی که واردات دانه‌های روغنی در همین سال افزایش داشته است؛ به عبارتی به جای واردات کنجاله به کشور، دانه‌های روغنی به کشور وارد شده است که سبب ایجاد ارزش افزوده و اشتغال بالاتری شده است.

در سال ۹۵، یک میلیون تن انواع روغن به کشور وارد شده است که در مقایسه با واردات یک میلیون و ۱۲۲ هزار تنی سال قبل، کاهش داشته است.

در مورد کالاهای قند و شکر نیز در سال گذشته ۶۶۷ هزار تن قند و شکر به کشور وارد شده است که عمده آن را شکر تصفیه نشده تشکیل داده است.

هدف گذاری‌هایی که در برنامه ششم ارائه و هدف هایی که برای تولید در داخل تعیین شده، آیا با توجه به شرایط کنونی در کشور محقق می‌شود؟

کمیسیون کشاورزی، آب و صنایع غذایی اتاق بازرگانی تهران در گزارشی هدف گذاری‌های برنامه ششم در مورد محصولات غذایی و کشاورزی را مورد بررسی قرار داده است. با توجه به اهداف برنامه ششم توسعه اقتصادی، در پایان این برنامه میزان تولید گندم باید به ۱۴.۵ میلیون تن، جو ۵/۳ میلیون تن، شلتوک تقریباً ۲ میلیون تن و ذرت به حدود ۱۱ میلیون تن، برسد.

با نگاهی به اهداف در نظر گرفته شده در این برنامه برای تولید محصولات کشاورزی و غذایی متوجه می‌شویم که محدودیت منابع کشور، از قبیل منابع آبی، برای تولید محصولات کشاورزی در این برنامه در نظر گرفته نشده است.

با توجه به اینکه این موضوع را در نظر بگیریم که تولید بسیاری از محصولات کشاورزی در کشور ما قیمت تمام شده بسیار بالایی دارد و از اینرو ما در تولید این محصولات مزیتی نداریم. از اینرو باید در سیاست‌گذاری و هدف‌گذاری تولید این محصولات تجدیدنظر جدی صورت گیرد.

در حالی که سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی در حال حاضر بر عدم پافشاری در تولید محصول ذرت، که بسیار آب بر است، قرار دارد، هدف‌گذاری تولید محصول ذرت در برنامه ششم توسعه اقتصادی حتی با سیاست‌های وزارت کشاورزی مبنی بر محدودیت تولید این محصول، نیز مغایرت دارد.

به‌طور دقیق باید در چه بخش هایی تغییرات ایجاد کنیم؟

به‌طور مثال، قیمت گندم در فوب دریای سیاه حدود ۲۰۰ دلار است که اگر قیمت آن را با ارز آزاد محاسبه کنید، قیمت تمام شده این محصول حدود ۷۰۰ تومان است. اما در سیستم خرید تضمینی کشور ما، دولت گندم را به قیمت کیلویی ۱۳۰۰ تومان از کشاورز خریداری می‌کند. این درحالی است که گندم تولیدی ما نسبت به استانداردهای جهانی از کیفیت پایین‌تری برخوردار است و گندم با گلوتن بالا در مقیاس محدودی در کشور تولید می‌شود.

در حال حاضر شرایط منابع آبی کشور برای تولید محصولات کشاورزی چگونه است؟

استفاده بی‌رویه از منابع آبی تجدیدناپذیر در سی سال گذشته، شرایط بسیار بحرانی را برای منابع آبی کشور ما ایجاد کرده است؛ کشور ما به لحاظ منابع آبی، بحرانی‌ترین شرایط را در میان کشورهای دیگر دارد. بنابراین جلوگیری از وخیم تر شدن این شرایط، باید در مدیریت کشت و بهره‌وری برنامه‌ریزی داشته باشیم و منابع آبی کشور را به بهترین شکل ممکن مصرف کنیم.

علی‌رغم اینکه در حال حاضر سیاست‌های بخش کشاورزی کشور ما بر تولید کلیه محصولات کشاورزی در داخل کشور قرار نگرفته است، اما اهداف در نظر گرفته شده در برنامه ششم توسعه اقتصادی بر افزایش تولید این محصولات، که محصولات آب بر را نیز شامل می‌شود، قرار گرفته است، که به طور قطع محدودیت در منابع آبی کشور به ما اجازه رسیدن به اهداف تولیدی محصولات زراعی و باغی در نظر گرفته شده در این برنامه را نخواهد داد.

به عنوان مثال، هدف‌گذاری تولید محصولات گوشت و تخم مرغ در این برنامه افزایشی است. در حالی که این محصولات در زمره محصولاتی با آب بری بسیار بالا قرار دارند. هر برنامه ریزی نیاز به آمار دارد؛ از اینرو می‌بایست یک برنامه جامع آماری در کشور داشته باشیم که میزان تولید و مصرف کالاها در این برنامه مشخص شده باشد و برنامه‌ریزی برای تولید و مصرف و صادرات کالاها با توجه به آن صورت گیرد. به بیان دیگر قبل از اینکه دست به تولید محصولی بزنیم باید میزان نیاز کشور به آن محصول و منابع موجود برای تولید آن را در نظر بگیریم.

به نظر شما در بخش کشاورزی چه مواردی را باید دولت در اولویت خود قرار دهد؟

مدیریت منابع آب کشور باید در اولویت اول قرار گیرد؛ آب نیز مانند نفت سرمایه ملی ماست و باید برای برداشت از منابع تجدیدناپذیر آن برنامه‌ریزی داشته باشیم. طبیعتاً با ادامه روند فعلی برداشت آب از منابع زیرزمینی، با بحران جدی منابع آبی روبرو خواهیم شد. طبق اعلام سازمان آب و وزرات نیرو بسیاری از دشت‌های کشور به دلیل کشت‌های بی‌رویه نشست کرده‌اند، با ادامه این روند احتمال وقوع بلایای طبیعی در کشور افزایش خواهد یافت.

میزان صادرات محصولات غذایی و کشاورزی کشور در پایان برنامه ششم توسعه اقتصادی ۱۴/۵ میلیارد دلار هدف‌گذاری شده است. از سوی دیگر با توجه به صادرات ۵/۷ میلیارد دلاری این محصولات در سال ۹۵، صادرات محصولات کشاورزی و غذایی باید در پایان برنامه ششم، ۲/۵ برابر وضع موجود شود که نیازمند انجام زیرساخت‌های بسیار بزرگی است و در شرایط حال حاضر دور از دسترس به نظر می‌رسد.

یکی از شاخص‌هایی که در صنایع غذایی مطرح می‌شود شاخص امنیت غذایی است. به طور دقیق این شاخص را توضیح می‌دهید؟ ایران در بخش امنیت غذایی چه جایگاهی را در جهان دارد؟

با توجه به شاخص جهانی امنیت غذایی، عوامل موثر بر امنیت غذایی تنها در دسترس بودن مواد غذایی نیست، بلکه کیفیت محصولات و میزان استطاعت پذیری شهروندان نیز از عوامل موثر بر ناامنی غذایی محسوب می‌شوند.

برخی گمان می‌کنند اگر در کشوری مردم از فقر غذا نمیرند یعنی امنیت غذایی دارند. اما شاخص جهانی امنیت غذایی دارای سه زیر مجموعه است: توان خرید غذا، در دسترس بودن غذا و کیفیت غذا.

در بخش در دسترس بودن غذا در کشور ما مشکل زیادی وجود ندارد. با توجه آمار بانک مرکزی، سهم خوراکی‌ها از کل هزینه خانوار در سال ۹۵، حدود ۲۳ درصد بوده است. این سهم نسبت به متوسط جهانی، سهم بالایی است. این بدان معناست که مردم کشور ما مواد غذایی را در مقایسه با بسیاری دیگر از کشورهای جهان گرانتر خریداری می‌کنند.

آیا به این معنا نیست که ما بیشتر به خورد و خوراکمان اهمیت می‌دهیم؟

در محاسبه این شاخص متوسط میزان مصرف غذا در نظر گرفته شده است، از اینرو بالا بودن سهم خوراکی در هزینه کل خانوار، تنها به دلیل بالا بودن قیمت کالاهای غذایی است. درست است که ایرانیان سرانه مصرف غذایی بالایی دارند اما به طور میانگین هزینه بیشتری نیز برای خوراکی می‌پردازند. این آمار در آمریکا ۶/۶ درصد است؛ در واقع ایرانی‌ها ۴ برابر آمریکایی‌ها برای مواد خوراکی شان هزینه می‌کنند. این در حالی است که برخی از اقلام غیرضروری خوراکی آمریکایی‌ها، مانند مشروبات الکلی، نیز در آن لحاظ می‌شود. به هر حال سهم مواد غذایی در هزینه خانواده‌های ایرانی نسبت به میانگین خاورمیانه و کشورهای منطقه عدد بالایی است که نشان دهنده گران بودن مواد غذایی در کشور ما است. از حیث شاخص‌هایی که فائو بررسی می‌کند نیز امنیت غذایی کشور در خطر است. می‌توان گفت اگر امنیت غذایی کشور را به صورت منطقی و با شاخص‌های بین‌المللی بررسی کنیم شرایط مناسبی ندارد.

این موضوع ربطی به نوع تغذیه ایرانی و ذائقه ما ندارد؟

بالا بودن قیمت مواد خام مورد نیاز صنایع تبدیلی در کشور سبب می‌شود ایرانی‌ها هزینه بیشتری برای خرید خوراکشان پرداخت کنند. به طور مثال گوشت در کشور ما قیمت بسیار بالایی دارد در حالی که سرانه مصرف گوشت ایرانی‌ها نسبت به کشورهای دیگر پایین‌تر است. در کشور ما میزان مصرف کالاهای پروتئین بالا، مانند شیر و گوشت، از میانگین کشورهای دیگر کمتر است. در واقع یک فرد اروپایی بالای ۱۵۰ لیتر در ماه لبنیات مصرف می‌کند در حالی که این آمار در ایران ۸۰ لیتر است.

تنها سرانه مصرف نان ایرانیان بسیار بالاتر از میانگین جهانی است. میانگین جهانی مصرف نان ۶۰ الی ۷۰ کیلوگرم در سال است، در حالی که متوسط مصرف ۱۷۰ کیلوگرم در سال نیز در کشور ما ثبت شده است؛ ایرانی‌ها عمدتاً از هیدروکربن‌هایی از قبیل نان و برنج، بیشتر از پروتئین‌ها استفاده می‌کنند.

سهم خوراکی در هزینه خانوارهای ایرانی در سال ۹۵، ۲۲/۹ درصد بوده است، در حالی که متوسط این شاخص در دنیا حدود ۳۰ درصد است. بالا بودن این سهم به دلیل سهم ناچیز ۱۳ درصدی خوراکی از هزینه کل خانوار خانواده‌های آفریقایی است و به این معنی

نیست که ما از شرایط خوبی برخوردار هستیم. این سهم در اروپا ۱۷/۵ درصد و در خاورمیانه ۱۷/۷ درصد است. کشورهای فقیر دنیا متوسط سهم جهانی را بالا می‌برند. در اغلب کشورهای توسعه یافته مواد غذایی کمتر از ۱۰ درصد هزینه خانوار را به خود اختصاص می‌دهد.

یکی از مشکلاتی که در کشور وجود دارد این است که در صنایع غذایی ایران ذائقه سنجی نشده است. برخی از مواد خوراکی‌های در مغازه‌ها هستند که فروشی بین نسل‌های جوان ندارند و در واقع ذائقه سنجی نشدند. چرا شرکت‌های صنایع غذایی برای افزایش فروش خود یا برای رقابت پذیری در جهان، ذائقه سنجی نمی‌کنند؟

در مورد محصولات غذایی بحث برندینگ مطرح است. برخی از برندها موفق می‌شوند در بازار سهمی را کسب کنند و همچنان در تلاش هستند که این سهم بدست آمده را حفظ کنند. طبق اصول بازاریابی، در صورت موفقیت یک محصول در بازار نباید بسته‌بندی آن را تغییر داد. برخی از محصولات که جزء پرفروش‌ترین محصولات، حتی در خاورمیانه هستند، بسته‌بندی‌های خود را از گذشته تغییر ندادند. شرکت‌های بزرگ تمام تلاش خود را می‌کنند که سهم محصول خود را در بازار حفظ کنند. به طور مثال شیلات ایران که به نقاط مختلف جهان خاویار صادر می‌کند، در مقطعی طرح روی قوطی بسته‌بندی محصولات خود را به طور آزمایشی تغییر داد، ولی مشتریان همچنان تمایل به خرید کالا با طرح و بسته‌بندی قبلی را داشتند.

برخی از محصولات، سهم بازاری دارند که شرکت را از نظر اقتصادی راضی می‌کند، در نتیجه تولیدکنندگان ترجیح می‌دهند همان بازار را حفظ کنند و تغییری در کیفیت یا بسته‌بندی ایجاد نکنند. برخی از محصولات در کشور با وجودی که از حیث کیفیت قدرت رقابت با اروپایی‌ها را نداشتند، اما توانستند برای محصولات خود در داخل کشور بازار بسیار خوبی پیدا کنند..

برخی از خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها در بازار مورد استقبال قرار می‌گیرند. در گذشته محصولات غذایی در کشور ما تولید شده است که توانسته در میان نسل‌های پیشین جایگاه بسیار خوبی پیدا کند. گرچه این محصولات در بازارهای بین‌المللی جایگاهی ندارند، اما نسل‌های گذشته در داخل کشور همچنان خواهان این محصولات هستند و این شرکت‌ها سعی می‌کنند آنها را مخاطب قرار داده و محصول را با همان طعمی که با ذائقه آنها آشناست، تولید کنند. از طرفی برای نسل جدید نیز محصولاتی مطابق با ذائقه نسل جوان تولید کرده و روانه بازار می‌کنند.